

صفحه ۱۶

نشریه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
سیستان و بلوچستان

شماره ۲۶  
آذرماه ۶۲

## شورنویین و رسالت فدائی

مبارزات خلق بلوچ که جزئی از مبارزات دمکراتیک ضد امپریالیستی طبقه کارگر کشورمان محسوب می شود ، بعقل عقب ماندگیهای اقتصادی - تاریخی خلق بلوچ از سطحی بائین تر نسبت به مبارزات طبقه کارگر و سایر خلقهای ایران برخوردار بوده است . این عقب ماندگی در مبارزات به دلیل عقب ماندگی صف بندی طبقاتی می باشد .

روشن نبودن صف بندی طبقاتی ، بعقل نبودن سابقه تاریخی مبارزه طبقه تی وعدم گذار کلاسیک از مراحل تکامل تاریخی جامعه و همچنین تسلط و رشد سرمایه داری از بالا بوده است . هر چند صف بندی و مرز روشنی بین طبقات موجود در بلوچستان نبوده است ، اما با اینحال جامعه بلوچستان نیز همچون بقیه در صفحه ۱۰

## سخنیا هواداران

آری بامی استار آمده است تا پرتو افشانی کند و پیام سرور آفرین رهاستی کارگران و زحمتکشان کشور را به زحمت کشان خلق بلوچ برساند . مبارزات توده ها و زحمتکشان بلوچ را با سایر خلقهای تحت ستم ایران در راه " جمهوری دمکراتیک خلق " پیوند زند .

پس برای به اجرا در آمدن اهداف فوالای بامی استار لازم است که شما نیز شریک باشید . این نوشته ها و مطالب در زیر سایه شمشیرهای آهخته بقیه در صفحه ۱۰

## ضرورت و چگونگی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

در صفحه ۵

### اعتیاد و علل آن

دواره بلند کوهای رژیم خبر از اعلام چندین معتاد را در زندان زاهدان میدهد . جمهوری اسلامی آمارهای سرسام آوری درباره کشف و ضبط مواد مخدر اعلام نموده است . اما آیا وسعت اعتیاد مواد مخدر به همین محدودیتی است که رژیم اعلام داشته است ؟

واقعیت چیز دیگری را نشان میدهد . امروزه اعتیاد در بلوچستان آنچنان ابعاد وحشتناکی بخود گرفته است که از کودکان و نوجوانان ۱۰ ساله له تا پیران ۶۰ ساله را شامل میشود . خرید و فروش مواد افیونی بی نهایت فزونی گرفته است و مسافانه این بلای اجتماعی فرانبیان خودش را اگر از میان جوانان ، از میان نسلی که میتواند سرنوشت جامعه را رقم بزنند ، انتخاب میکند . امروز در هر خرابه زیر هر درخت امن در میان دره و در هر مکان امنی بساط دود کردن هرورین بهین است ، امروز خلق بلوچ با نوا و گانسی روبروست که چهره تکیده شان حکایت از سرخوردگی ، فساد و نابودی میکند . این بلا چون دیگر بلاهای جوامع طبقاتی ( فقر ، کرسنگی ، بیکاری ، بیماری ، فحشا و ... ) امری اجتناب ناپذیر است که نابودی آن وابسته به نابودی بقیه در صفحه ۱۳

## کار را بخوانید

### در این شماره

حق ملل در تعیین سرنوشت  
و موضع ما  
مروری بر آثار سازمان چریک  
های فدائی خلق ایران  
اخبار

## سوپین بیت بلوچ هلك، جیره پوت واجهی و آزاتی

# حق ملل در تعیین سرنوشت و موضع ما

باید هر مسئله اجتماعی را در بعد تاریخی - اقتصادی و شرایط خاص خودش مطرح نمود یعنی تحلیل مشخص از شرایط مشخص ارائه داده و برآن اساس روشهای مبارزاتی را تعیین کرد. در این مقاله ما سعی می‌نمائیم درک مسلمان را از حق تعیین سرنوشت ارائه داده و تحلیل مسئله ملی و ابعاد آن را در بلوچستان به جزوه ای جداگانه واکار نمائیم.

## دری‌ما از حق ملل در تعیین سرنوشت

روابط فتووالی بمنوان عاملی بازدارنده بر سر راه رشد و تکامل نیروهای مولد می‌باشد. انکشاف جامعه به سوی سرمایه داری با یک سلسله انقلابات بورژوا - دمکراتیک روبرو گردید. هدف این انقلابات نابودی روابط ارباب رعیتی و برقراری و توسعه روابط کالائی بوده است. در آن زمان جنبشهای ملی دارای خصلتی مردمی بوده و وسیع ترسین اهالی را برای کسب آزادی سیاسی بخود جذب کرده است. در تمام جهان دوران پیروزی نهائی سرمایه داری بر فتووا - لیزم با جنبشهای ملی توأم بوده است. پایه اقتصادی این جنبشها را موضوع زیر تشکیل میدهد:

" برای پیروزی کامل تولید کالائی، بازار داخلی باید به دست بورژوازی تسخیر گردد و باید اتحاد دولتی سرزمینهای که اهالی آنها به زبان واحد تکلم مینمایند عملی گردد و در عین حال هر نوع مانعی از سر راه تکامل این زبان و تحکیم آن در ادبیات برداشته شود. زبان مهمترین وسیله آمیزش بشری است وحدت زبان و تکامل بلا - مانع آن یکی از مهمترین شرایط مبادله بازرگانی واقعا آزاد و وسیع و متناسب با سرمایه داری معاصر و یکی از مهمترین شرایط گروه بندی آزاد و وسیع اهالی بصورت طبقات جدا - گانه و بالاخره شرط ارتباط محکم بازار با انواع تولید کنندگان خرد و کلان و فروشنده و خریدار است. بدین جهت تمایل ( اشتیاق ) هر نوع جنبش ملی عبارت است از تشکیل دولتهای ملی که بتواند این خواسته های سرمایه داری - معاصر را به بهترین وجهی برآورده نماید. "

( حق ملل در تعیین سرنوشت )

### لنین

بنابراین مفهوم حق ملل در تعیین سرنوشت اگر چنانچه تعریفهای مجرد وضع نمائیم و به کلی کوئی در نیفتیم ،

عبارت است از حق ملل در جدا شدن از بقیه ملتتهای غیر خودی و تشکیل دولت مستقل ملی اما نباید از این موضوع چنان فهمیده شود که دولت مستقل ملی، استثمار و استغری را از بین خواهد برد بلکه چنین معنی میدهد که مارکسیست ها نمیتوانند گرایش را که تحت عوامل نیرومند اقتصادی برای تشکیل دولت ملی بوجود می‌آید از نظر دور بدارند .

معنی حق ملل در تعیین سرنوشت آنستکه ملت حقوق داشته باشد سرنوشت سیاسی خودش را تعیین کند ، استقلال دولتی و حق تشکیل دولت ملی داشته باشد .

## طرح تاریخی مسئله

سابق بر این کشورها میان منتهی شاهزاده تقسیم و هر یکی از آنها بر قسمتی حکومت میرانده است. هیچگونه ارتباط و پیوند ملی بین این دولتها وجود نداشته و نمیتوانسته است وجود داشته باشد. این دولتها بوسیله انقلابات بورژوا - دمکراتیک درهم شکسته شده و اتحاد سرزمینهاییکه اهالی آنها بیک زبان تکلم می‌نموده اند عملی گشته است. بورژوازی در اس این انقلابات قرار داشته و تشکیل دولتهای ملی بهترین زمینه را برای تکامل روابط کالائی فراهم آورده است .

این انقلابات در این دوران بر علیه فتووالیسم از حمله - یت وسیع اهالی برخوردار بوده و مشخصه آن عبارت از روی آوری جمیع طبقات اهالی به روشهای گوناگون از طریق مطبوعات شرکت در مجالس به سیاست و دمکراسی میباشد . بورژوازی در دوران رشد و تکامل روابط و ازدیاد تولید کالا - ئی احتیاج به بازارهای جدید برای فروش کالا پیدا می‌کند، که اقدام به توسعه بازارها جهت فروش کالا و اختصاص دادن این بازارها بخود نموده و منطقا این صدور کالا و فروش آن به بازارهای دیگر بدون پس زدن کالاهای ساخته شده ملتتهای دیگر نمیتوانسته باشد، صدور کالا و در پرور - سه تکاملی آن صدور سرمایه که رشد نهائی و از آن پس گدیدیکی سرمایه داری است با ورشکست نمودن اقتصاد ملل دیگر و نادیده گرفتن حق حاکمیت ملی و سیاسی آنها - توأم بوده است .

بقیه در صفحه ۷

# حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

# اخبار:

## منطقه

**آبانماه - ایرانشهر:** پاسداران ارتجاع به منزل دونفر زحمتکش حمله می‌نمایند و آنها را به جریمه‌های واهی دستگیر می‌نمایند و تمام وسائل منزل آنها را نیز غارت می‌نمایند، از - سرنوشت آنها هنوز خبری در دست نیست.

**آبانماه - ایرانشهر:** جنازه دونفر از به هلاکت رسید. کان در جبهه جنگ ارتجاعی ایران و عراق را به ایرانشهر می‌آورند، از دانش‌آموزان هنرستان ایرانشهر خواسته - میشود که برای تشییع جنازه شرکت کنند، اما دانش‌آموزان - هنرستان بهیچ وجه شرکت نمی‌کنند. دانش‌آموزان بقیه مدارس که بزور آورده شده بودند، در هنگام حرکت و راهپیمایی فرار می‌کنند بطوریکه بجز از خود پاسداران کسی برای تشییع جنازه باقی نمی‌ماند.

**ایرانشهر:** اخیراً رئیس آموزش و پرورش ایرانشهر که یکی از سرسپردگان مزدور رژیم خمینی میباشد و وابستگی نزدیکی به خوانین سجادی دارد. معلمین و کارمندان بلوچ را از خانه‌های سازمانی اخراج نموده و بجای آنها افراد جاسوس - س و سرسپرده خوش را اسکان داده است.

**آبانماه - آشار:** پاسداران ارتجاع به منزل یکی از زحمتکشان حمله می‌نمایند اما فرد مورد غضب موفق به فرار میشود. پاسداران از فرط عصبانیت و درنده خوئی ذاتی رژیم فسرده عادی و بی گاهی را بجای وی دستگیر - می‌نمایند که تاکنون از سرنوشت نامبرده خبری در دست نیست.

**آبانماه:** پاسداران ارتجاع به روستاهای اطراف منطقه کوهستانی آشامغول و راحمله نموده، از روستائیان بابتهدید و ارباب برای سرکوبی افراد مسلح بلوچ طلب همکاری می‌نمایند. اما زحمتکشان که از اعمال جنایتکارانه پاسداران - مطلع هستند به هیچ وجه تسلیم تهدیدها و ارباب‌های مزدوران رژیم نشده و پاسداران شرمنده و دست از پا - درازتر برمیگردند.

**آبانماه:** هشت خودروی پر از مزدوران رژیم به یکی از روستاهای منطقه مورتان بنام هُنگ حمله نموده و روستا را به محاصره درمی‌آورند و به خانه یکی از زحمتکشان که تازه از خلیج برگشته وارد میشوند، وسائل قیمتی خانه از قبیل پاسپورت و ۲۴ هزار تومان، یک دوربین و دو عدد چمدان خارجی را به غارت برده خود فرد زحمتکش را نیز دستگیر می‌نمایند. تاکنون سرنوشت وی نامعلوم است.

**آذرماه:** سپاه پاسداران ایرانشهر به‌مراهی مزدوران محلی و خودفروخته به روستای شیشه پشت در نزدیکی سرمیج به تعقیب افراد مسلح بلوچ می‌پردازند و چون موفق به دستگیری افراد مسلح نمی‌شوند، پاسداران به افراد غیر مسلح و زحمتکش حمله می‌نمایند که یک نفر در اثر اصابت گلوله جان خود را از دست می‌دهد.

**آذرماه:** یک گستی از سپاه پاسداران راسک بوسیله لندروریک کودک را زیر آورده، کودک در دم هلاک میشود. پاسداران ارتجاع بعد از کشتن کودک فرار می‌نمایند. جریان از طرف خانواده کودک تعقیب میشود، اما پاسداران جواب می‌دهند ما در حال انجام ماموریت بوده ایم و هیچ جوابی به خانواده کودک داده نمی‌شود.

**زندان ایرانشهر:** زندانیانی که مدت محکومیت آنها تمام شده است، سپاه از مرخص نمودن آنها امتناع می‌ورزد و مدام آنها را تحت شدیدترین شکنجه‌های قرون - وسطایی قرار میدهند. خانواده‌هایی که در انتظار آزادی فرزندان خود بسر می‌برند، سرد وانده میشوند، آنها به دادستانی رجوع میکنند ولی دادستانی پاسخ میدهد برای آزادی آنها باید گواهی حسن اخلاق از زندان بیاورند. اکثر زندانیان در اثر شکنجه‌های قرون وسطایی و شرایط بد زندان بیمار می‌باشند، آنها تیکه حالشان بسیار وخیم است به بیمارستان برده میشوند، با اینکه پزشکان بستری شدن و تحت مداوا قرار گرفتن این بیماران را تشخیص میدهند اما پاسداران ارتجاع که هیچ ارزشی برای جان زندانیان قائل نیستند به پزشکان اجازه بستری کردن بیماران را نده - اده و به آنان دستور میدهند که اینها را باید سرپائسی مهالجه کنید.

وسائل و هدایایی که از سوی خانواده‌های زندانیان سیاسی برای فرزندان در بند برده میشود بوسیله پاسدا - ران به سرقت می‌رود و به زندانیان تحویل داده نمیشود. بقیه در صفحه ۶

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اخبار.....

بقیه از صفحه ۳

پاسداران بخاطر اینکه خانواده های زندانیان قادر نیستند به زبان فارسی صحبت نمایند از صحبت نمودن به زبان بلوچی جلوگیری بعمل آورده و ملاقاتها را قطع میکنند. بدنبال پخش نشریات سازمان چریکهای فدائیان خلق و هواداران سازمان در منطقه پاسداران خون آشام ارتجاع برای زهر چشم گرفتن زندانیان در بند را بقصد مرگ شکنجه می کنند. این عمل پاسداران نشان دهنده ضعف وزونی مفرط آنها و حاکی از سرنوشت مخوفشان میباشد. آنها وقتی در میابند که در سرکوبی انقلاب عاجز مانده اند، بیق دل خود را روی افراد در بند خالی می کنند.

کمیون معلم:

اکثر مدارس روستاها و شهر از بابت معلم در مضیقه هستند و چندین مدرسه روستائی بعلت نداشتن معلم تعطیل شده است و مسئولین آموزش و پرورش به خواست مردم مبنی بر تامین معلم پاسخ نمی دهند، از سوی دیگر رژیم سفاک به تعقیب معلمین پرداخته و همانطور که در اخبار آمده آنها را تحت پیگرد قرار داده وعده ای را دستگیر نموده است.

نیکشهر: پاسداران ارتجاع یکی از افراد محلی بنام جان محمد مهران را دستگیر و ویرا تحت شدیدترین فشارها قرار میدهند تا با سپاه همکاری نماید. از وی میخواهند که موجبات دستگیری و فرود مسلح بنامهای فقیر محمد و ملک محمد را فراهم کند. تاکنون نامبرده آزاد نشده است.

ایران شهر: دستگیری معلمین و تعقیب و مراقبت آنان بشدت قبل ادامه دارد. تاکنون چندین نفر را به جرائم واهی دستگیر نموده اند که از نوع اتهام و سرنوشت آنها خبری نیست.

زاهدان: زندان قدیم شهرانی زاهدان به دلیل نداشتن جا با زندان شاه ساخته ۷۰۰ نفره جدیدی در جاده کورند تعویض شد. اما رژیم اسلامی در این زندان بجای ۷۰۰ نفر، ۴۰۰ نفر را جای داده است. وضعیت عمومی زندانیان این زندان وحشتناک بوده از امکانات بهد-

استی و رفاهی نه تنها خبری نیست بلکه زندانیان در راهروها جای خواب پیدا نمی کنند. اعتبار نیز در زندان رواج فراوان دارد. خود زندانبانان در مقابل اخذ پول مواد مخدر را به قربانیان می رسانند.

فهرقند - آبانماه: مقر جاسوس معروف منطقه گرم خان نظرزهی از سوی نیروهای مسلح بلوچ مورد حمله مسلحانه قرار میگیرد. شدت حمله آنقدر وسیع و برقی آسا بوده است که مزدوران پاسدار خمینی از شدت وحشت در حالیکه فاصله چندانی با نوکر خود نداشته اند، به کمک وی نمیروند و بجای کمک به نوکرشان، در سوراخهای خود خزیده از ترس حمله به مقر سپاه به سنگرهای اطراف آن پناه میبرند. افراد مسلح بلوچ بعد از رگبارهای ممتد و شلیک بیش از از ۲۰۰۰ ( دوهزار ) تیر فشنگ و سوراخ سوراخ نمودن خانه و کاشانه گرم خان محل را ترک می کنند. اما گرم خان جا- ن سالم بدر میبرد. متعاقب این حمله رژیم برای حفاظت از جاسوسش اطراف خانه وی ( که قبلا در آن زیرزمینی و غار کنده و سنگر سیمانی برایش ساخته بود ) اینک نفر بر و تیر بار کار گذاشته است.

آبانماه: اخیرا رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایر ان دست به توطئه جدیدی علیه مردم زحمتکش زده است، مامورین خمینی جلالت اقدام به دستگیری جوانان بلوچستان نموده آنها را بزور وادار به رفتن به جبهه ها می کنند. گروهی از این جوانان پس از دوره کوتاه آموزشی ۱۵ روزه در یادگان سر آسیاب کرمان به جبهه ها اعزام میشوند. اما آنها در آنجا به عیند گوشت دم توپ بودن خود را مشاهده می کنند و بیش از ۱۰۰ نفر اقدام به فرار می کنند. وعده زبانی از جوانان متواری شده به کشورهای مجاور پناه برده اند.

چانف: پاسداران ارتجاع به کمک جاسوسان محلی اقدام به دستگیری و ایذا و آزار روستائیان زحمتکش می نمایند در پی این اقدامات و نفر بنامهای غلام قادر و احمد دستگیر وعده ای متواری میشوند.

این تنها چانف نیست که به این بلا دچار شده است بلکه هر کجا جمهوری اسلامی حکومت میکند این بلا و بلاها ی دیگر اجتماعی دامگیر مردم آنجا خواهد شد. این شتری است که جلوخانه هر کس میخوابد. تنها چاره درد زحمت کشان بلوچ رفع اختلافات خانوادگی و طلیفه ای و متشکل شدن بقیه در صفحه ۹

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# ضرورت و چگونگی

## سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

جامعه ما با یک بحران عمیق اقتصادی که آغاز آن به سالهای ۵۴ باز میگردد و بر بستر آن رژیم پهلوی سرنگونی گردید، روبرو است. در پی سرنگونی رژیم پهلوی، رژیمی باز هم با ماهیت طبقاتی بورژوازی قدرت دولتی را در دست گرفت (از دستی به دست دیگر گشت). این رژیم نیز بنا به ماهیتش قادر به حل بحران اقتصادی نگشته و انقلاب همچنان نیمه کاره ماند. ضد انقلاب حاکم هنوز هم در وضعیت پراکندگی بسر میبرد و از ثبات سیاسی برخوردار نیست. بر بستر این بحران عمیق اقتصادی - سیاسی و وجود کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب، ما در یک دوران انقلابی بسر میبریم و وقوع یک قیام محتمل است. بنابراین مجموعه تا - کتیکهای پرولتاری دارای مضمونی تعرضی و مهیا سازی برای رهبری قیام در چشم انداز می‌باشند.

تاکنون هیچگونه شواهدی از رونق اقتصادی بچشم نمیخورد و نتایج حاصله از این بحران عبارتند از تشدید فقر، بیکاری، کرسنگی، گرانی، اعتیاد و... که زندگی را بیش از پیش بر توده های زحمتکش تنگ نموده است بطوریکه آنها را بمبارزه آشکار بر علیه نظام حاکم سوق خواهد داد. رژیم جمهوری اسلامی تاکنون به زور سرنیزه و قسوه سرکوب نیروهای مسلح سرپا ایستاده است. تاکنون هزاران نفر را اعدام نموده، شوراها و انقلابی کارگران - دهقانان و پرسنل انقلابی و دیگر تشکلهای مردمی را که پس از قیام بوجود آمده بودند، سرکوب نموده و پیشروان این تشکلهای انقلابی را دستگیر و اعدام نموده و بجای آنها انجمنهای اسلامی تاسیس کرد، بجای مجلس موسس لای که اراده خلق بپا خاسته باشد، مجلس خبرگان را علم نمود، آزادیهای سیاسی را از توده ها گرفت، اقدام به خلع سلاح توده های مسلح نمود و...

این رژیم که در اثر سازش نمایندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی با بورژوازی متوسط شکل گرفت، برآمده از بطن مبارزات توده ها و قیام نبود و بهیچ عنوان منعکس کننده منافع زحمتکشان کشورمان نمی‌باشد. این حکومت باید سرنگونی شود. اساسی ترین وظیفه فوری جنبش عبارتست از بسته اتمام رساندن انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران. وظیفه فوری ما عبارت از رهبری سمت و سوادان مبارزات کارگران و زحمتکشان در جهت سرنگونی این رژیم و

برقراری جمهوری دمکراتیک خلق میباشد. ما در یک دوران انقلابی بسر میبریم، تاکتیکهای دوران رکود مسلما با تاکتیکهای ما تفاوت اساسی دارد. تاکتیک عبارتست از تعیین روش پرولتاریا در مدت نسبتا کوتاه جزر و یا مد نهضت. صعوبت نزل انقلاب و مبارزه در راه از پیش بردن این خط مشی بوسیله تبدیل اشکال کهنه مبارزه به اشکال تازه و تبدیل شعارهای کهنه به نو. ما با تمام مکتبها و خطوط و طرز تفکرهاییکه مبارزه را به یک شکل مشخص آن محدود می‌کنند، مرز بندی داریم و هیچ گاه جنبش را به یک شکل خاص مبارزه محدود نمیکنیم بلکه به اشکال مختلف مبارزه معتقدیم. و تمام فرمولهای انتزاعی و نسخه های مکتبی از پیش تعیین شده را مردود اعلام میداریم و توجه کامل به واقعیت تاریخی اشکال مبارزات توده ای داریم. مبارزاتیکه همگام با تکامل جامعه و رشد جنبش و آگاهی توده ها و تشدید بحرانهای اقتصادی - سیاسی، شیوه های جدید و گوناگون دفاع و حمله را بدنیاال دارد.

مارکسیسم بهیچوجه شکلی از مبارزه را برای همیشه رد نمیکند و بهیچوجه خود را تنها به اشکالی از مبارزه که در یک لحظه معین ممکن بوده و بکار برده میشود، محدود نمیکند. این علم از عمل توده ها میآموزد و فرسنگها از ادعای علمای خانه نشین و محفلی که نسخه هایی در مغز ناصخ خود می‌پرورانند و در صدد تمیل آن به توده ها هستند بدور بوده خواهان یک برخورد تاریخی به مبارزه است. هر گونه بحثی بدون در نظر گرفتن موقعیت مشخص تاریخی بمعنای عدم درک القیای ماتریالیسم دیالکتیک است. در - مراحل گوناگون تحول اقتصادی و در رابطه با شرایط مختلف سیاسی، فرهنگ ملی، شرایط زندگی و غیره اشکالی از مبارزه ارجحیت یافته عمده میشوند.

بنای اتخاذ تاکتیک ما، دوران انقلابی و چشم انداز قیام میباشد. بر بستر بحران عمومی اقتصادی - سیاسی است که منطبق با استراتژی مرحله ای مان یعنی برقراری جمهوری دمکراتیک خلق اتخاذ تاکتیک می‌کنیم. حال چگونه میتوان این حکومت را ساقط کرد؟

بقیه در صفحه ۶

## ضرورت .....

زمانی که کارگران دست از کارکنند و تولید را متوقف سازند جلوی سودهای کلان سرمایه داران و منابع تغذیه و درآمد دولت را بگیرند، هنگامی که شرکت نفت از کار بیفتد و دیگر تولیدی نداشته باشد، جمهوری اسلامی قادر نباشد دسترنج کارگران و سرمایه های مملکت را به حراج بگذارد. زمانی که سرچشمه اقتصادی حکومت بختکد هنگامیکه کارمندان جز اداره جات دست از کار بکشند حکومت واقعا فلج خواهد شد. به تعبیر دیگر هرگاه یک اعتصاب عمومی سیاسی همه جا را فرا بگیرد و این اعتصاب سرتاسری بیک قیام مسلحانه عمومی و سراسری تبدیل شود حکومت جمهوری اسلامی سرنگون خواهد کردید و از بطن مبارزات و قیام مسلحانه است که حکومت دمکراتیک انقلابی کارگران و دهقانان سر بر خواهد آورد، پس وظیفه مبارزات و قیام سرتاسری می باشد، برای دستیابی به این مرحله لازم است که کمیته های مخفی اعتصاب و کمیته های مخفی مقاومت و کانونهای پارتیزانی شکل گیرند.

در ضمن انقلابیون مجازند از اشکال گوناگون مبارزه حتی اشکال قانونی آن بهره جستند در سازماندهی و بسیج سیاسی توده ها کوشا باشند.

کمیته های مخفی اعتصاب بطور مخفیانه از پیشروترین نیروها و انقلابیون در کارخانه ها، ادارات، مدارس و سایر موسسات تشکیل میگردند این کمیته ها وظیفه دارند فعالیتها طرحها و خواستها و برنامه ریزیها را بمنظور رهبری قیام هماهنگ سازند.

کمیته های مخفی مقاومت: بمنظور رهبری آگاهانه مبارزات توده ها و قیام باید هر کجا توده ها هستند در محلات، مدارس، روستاها، عشایر، پارکها و غیره. کمیته های مخفی مقاومت تشکیل شود. این کمیته ها سمت و سودا در مبارزات توده ها را به عهده دارد. کمیته ها خصلتی دمکراتیک و قابل انعطاف داشته، حتی در میان اعضای خانواده نیز میتواند تشکیل شود. این کمیته ها باید به تبلیغ اهداف و مقاصد جنبش بپردازند. امکانات لازم را برای مبارزه و قیام تدارک ببینند. اطلاعات ضروری را برای مبارزه جمع آوری می کنند، مزدوران رژیم را شناسایی و در مواردی که توده ها از آنها متنفر هستند تنبیه کنند مراکز حساس و مهم رژیم و مراکز سرکوب و محل زندگی و اختفای مهره های رژیم را کاملا شناسایی کنند.

کمیته های مخفی مقاومت باید به جمع آوری اسلحه

آموزش نظامی توده ها و تهیه امکانات مالی برای تدارک قیام بپردازند.

بلوچستان برای تشکیل کمیته های مخفی مقاومت بسیار مستعد بوده، شرایط بسیار مناسبی دارد. این کمیته ها باید در اقصی نقاط بلوچستان و سیستان بوجود آید. در بلوچستان این کمیته ها مجازند عملیات مسلحانه انجام دهند و برای تهیه اسلحه و امکانات مالی برای تدارک قیام اسلحه ها و اموال دولتی و عواملش را مصادره نمایند.

کانونهای پارتیزانی نیز شکل دیگری از مبارزه است که میتواند در میان خلق بلوچ شکل بگیرد. و بعضی از مناطقی را از زیر سلطه رژیم خارج سازند و در جهت تداوم انقلاب و برپائی قیام مسلحانه بکار گیرند.

ما طی مقاله ای جداگانه در شماره های آینده به توضیح مفصل کانونهای پارتیزانی و کمیته های مخفی مقاومت در بلوچستان خواهیم پرداخت.

## شور نوین .....

بقیه از صفحه ۱۰

نهایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با میراث انقلابی و کارنامه پرافتخار و خونین خوش تنها جریانی سرتاسری است که میتواند تا آنجائی که مبارزه بسنکی به عامل ذهنی و رهبری دارد، در پیروزی جمهوری دمکراتیک خلق تاثیر قطعی بگذارد. میتوان نتیجه گرفت که این شور نوین نتیجه درک درست فدائیان از روند تکامل انقلاب ایران و رد بقای فیزیکی و شرکت در مبارزات و رهبری توده ها برای حصول حقوقشان می باشد.

ما به هواداران صدیق سازمان اعلام میدارم که شرایط کنونی و وظایف تاریخی خود را درک کنند. سیر تحولات مبارزات مردم به ما می آموزد که باید فدائی بماند، باید فدائی رهبری کند، باید فدائی سازماندهی کند و باید انقلاب دمکراتیک را به سرانجام رساند و راه رهائی زحمتکشان کشورمان را با درایت و خلاقیت و قهرمانیهای خود هموار سازد.

**ریگای گه ل**  
را بخوانید

## حق ملل ...

بقیه از صفحه ۲

در این دوره که با امپریالیسم مشخص میشود، جنبش‌های ملی جنبه دیگری بخود گرفته و در این دوران دولتها ی سرمایه داری تشکیل شده، رژیم مشروطیت مدت‌هاست برقرار گردیده و تضاد آشتی ناپذیر بین پرولتاریا و بورژوازی قویا شدت یافته و دوره ایست که میتوان آنرا آستانه ورشکستگی سرمایه داری نامید.

### وجه افتراق این دو دوره:

سمت گیری جنبش‌های ملی در دوره اول بر علیه فئودالیزم و ایجاد پیوند ملی بین اهالی که با یک زبان تکلم می‌نمایند بوده است. رهبری مبارزات در دست بورژوازی بوده و انقلابات خصلتی بورژوا - دمکراتیک داشته است. برای اولین بار این جنبشها قویا جنبه توده ای بخود گرفته و جمیع طبقات را به سیاست جلب نموده است. صفت مشخصه دوره اول آغاز بیداری جنبش‌های ملی و مبارزه در راه آزادی سیاسی عموماً در راه حقوق ملیت، خصوصاً جلب دهقانان بسوی این جنبش است.

در دوره دوم که امپریالیسم یعنی انحصارات، یعنی صدور سرمایه حق حاکمیت سیاسی ملل را نادیده گرفته خود به عامل ستمگری تبدیل شده است. سمت و سوی جنبشهای ضد ستمگری ملی بر علیه امپریالیسم جهانی میباشد این جنبشها جزئی از انقلابات پرولتری محسوب شده پیروزی و شکست آنها در رابطه با انقلابات پرولتری مطرح است. بورژوازی اینک هیچ خصلتی برای رفع ستم ملی ندارد بلکه خود عامل رواج آن شده است. پرولتاریاست که خواهان نابودی کامل ستمگری ملی است.

صفت مشخصه این دوره فقدان جنبشهای توده ای بورژوا - دمکراتیک است. اختلاط بیش از پیش ملی که بنا یکدیگر گاه‌لا به جریان مبادله بازرگانی و روابط فرهنگی اقتاده اند، تضاد آشتی ناپذیر پرولتاریا و سرمایه داری به اوج خود رسیده و همبستگی مبارزات پرولتاریا در مقیاس بین المللی در درجه اول اهمیت قرار گرفته است، البته این دو دوره بوسیله دیوار چین از هم جدا نشده بلکه بوسیله حلقه های انتقالی به هم متصلند.

## حق ملل در تعیین سرنوشت و مواضع پرولتری

پرولتاریا مخالف هرگونه امتیاز ویژه بر اساس ملیت، زبان، نژاد و مذهب می‌باشد. بورژوازی خواهان امتیاز و عامل ستمگری ملی می‌باشد. امروزه بورژوازی ملل تحت ستم

نیز شریک غارتگر بورژوازی ستمگر درآمده است. یعنی سرمایه چارجوب مرزهای ملی را در نور دیده و به مرحله جهانی و انحصارات و کندیکی رسیده است. بورژوازی از یک موضع شونیستی خواهان الحاق سرزمینهای ملل دیگر می‌باشد. پرولتاریا که خواهان رفع این امتیازات می‌باشد به حق ملل در تعیین سرنوشت اعتقاد داشته و هرگونه کم بها دادن به این مسئله و یا لاپوشانی کردن آنها به معنای تأیید امتیازات ویژه بورژوازی میدانند. اما از سوی دیگر ادغام سرمایه، ادغام پرولتاریا و نزدیک شدن منافع وی را تسهیل نموده است و اینک مسئله بدین طور مطرح میشود که برای پرولتاریای مزدور علی السویه است که استعمارگر - وی سرمایه دار ترک و یا سرمایه دار فارس باشد و یا سرمایه دار بلوچ حل مسئله ملی در حیطه وظایف انقلاب پرولتری درآمده است. پرولتاریا که برای محو طبقات و برقراری سوسیالیسم مبارزه میکند چاره ای ندارد جز اینکه برای وصول به سوسیالیسم از یک دوره دمکراسی گذر کند. حل مسئله ملی یعنی تکمیل کردن دمکراسی و از بین بردن امتیازات ملی، دمکراسی پرولتری شرایط را برای اتحاد آزادانه ملل و برقراری سوسیالیسم مهیا می‌سازد. دادن شعار تجزیه ملل و تشکیل دولتهای کوچک نمیتواند هدف واقعی پرولتاریا برای مبارزه بر علیه امپریالیسم باشد. تشکیل دولتهای قوی و قدرتمند پرولتری برای مبارزه با سرمایه و امپریالیسم از قابلیت بیشتری برخوردار است و انگهی جنبش طبقه کارگر بر علیه سرمایه می‌طلبید که مسئله ملی نیز از نقطه نظر پرولتاریا بررسی شود. سیاست ناسیونالیستی عبارت است از دفاع از امتیازات دولتی طبقه ستمگر و همچنین ترساندن خرده - بورژواها از شیخ از هم پاشیده شدن کشور.

سیاست حق ملل در تعیین سرنوشت و لغو امتیازات بورژوازی نه تنها به مفهوم تجزیه کشور نیست بلکه عبارت است از اتحاد آزاد ملل، نابودی امتیاز بر پایه ملیت، ادغام آزادانه ملل و تنها راه صحیح برقراری سوسیالیسم، کشور و اقتصاد واحد پرولتری، در برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میخوانیم که جامعه ایران از ملیتهای گوناگون تشکیل شده است. این ملیتها تاکنون تحت ستم قرار داشته اند، رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند رژیم شاه به ستمگری ملی ادامه داده و بی رحمانه حقوق ملی خلقها ی کرد، ترک، ترکمن، عرب و بلوچ را با یمال کرده است. باید حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولتهای مستقل برای کلیه ملل تحت ستم ایران برسمیت شناخته شود. ملیتهای تحت ستم ایران باید آزادانه تصمیم بگیرند و سرنوشت خود را تعیین کنند. منافع طبقه کارگر ایران و زحمتکشان ملل تحت ستم در این است که مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند اما این اتحاد آزادانه و داوطلبانه خواهد بود و جمهوری دمکراتیک خلق بر اتحاد آزاد

# حق ملل ...

بقیه از صفحه ۷

و داوطلبانه ملتها استوار خواهد بود، تمام ملتها که بنا به میل و اراده خود آزادانه و داوطلبانه زندگی درجهاد رجوب جمهوری دموکراتیک خلق را برمی‌گزینند از حقوق کامل و برابر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برخوردار خواهند بود. هرگونه اعمال ستم و یا قائل شدن امتیاز ویژه بر اساس زبان، فرهنگ، نژاد، ملیت و قومیت ممنوع اعلام خواهد شد. اینست تنها آن موضع پرولتری در حق تعیین سرنوشت که از روی منافع پرولتاریا به مسئله ملی که یکی از مسائل انقلاب کنونی است پاسخ صریح و روشن داده و هرگونه امتیاز بر اساس ملیت را مردود شمرده، حق ملل در تعیین سرنوشت را محترم دانسته و اتحاد آزادانه ملت‌ها و زحمتکشان ایران را پیشنهاد می‌کند. این است آن سیاست پرولتری که از روی منافع پرولتاریا بر ضد سرمایه داران - همبستگی کارگران را در الویت قرار داده و به سیاست ناسیونالیستی-بورژوازی هر ملیتی که باشد جواب دندان شکن می‌دهد چرا که پرولتاریا تحت حاکمیت هر بورژوازی - تحت استثمار بوده و حمایت از امتیارات بورژوازی ملی خودی عبارت است از تأیید ستمگری این بورژوازی بر زحمتکشان و ملت‌های تحت ستم.

گفتیم که حل مسئله ملی یکی از مسائل انقلابات و از مسائلی است که از وقتی پرولتاریا بر تارک عصر نشسته و رسالت به سرانجام رساندن انقلابات را یافته است، میباشد و اکنون تصریح می‌کنیم که این مسئله حل نخواهد شد مگر آنکه رژیم سرمایه داری سرنگون گردد، هرگونه راه حل دیگر به نتایج ارتجاعی رسیده و بازگشت به عقب است. فقط پرولتاریا قادر به حل این مسئله میباشد. زیرا مخالف هرگونه ستمگری ملی است. حال مسئله را در بعد ایران مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همانطور که در برنامه عمل سازمان ذکر گردیده است، ایران کشوری است چند ملیتی، این مسئله به غیر از امپریالیستها و بورژوازی برای همه روشن و انکارناپذیر است. ملیتهای تحت ستم ایران از حق تعیین سرنوشت خویش بی بهره بوده و از طرف حکومت مرکزی و گرایش ناسیونالیستی ملت فارس به اعلی درجه تحت ستم مضاعف قرار داشته اند. از سویی ستم امپریالیستها به سرکردگی امپریالیزم امریکا و از سوی دیگر ناسیونالیسم ملت فارس بر ملیتهای کرد، بلوچ، ترک عرب و ترکمن روا میرفته است. این ستمگری ملی موجب حرکت‌هایی برای کسب حق تعیین سرنوشت از سوی ملیتهای ایران گردیده است. بعنسد از جنگ جهانی دوم که شرایط نسبتاً بهتری برای حرکت

جنبشهای ملی در ایران بوجود آمد، حرکت‌هایی با خصلت عمدتاً ضد ستمگری ملی شکل گرفت، بخصوص مبارزه ملت ترک که در سطح وسیع و گسترده جریان یافت و همچنین میتوان از تشکیل حکومت خودمختار آذربایجان و حکومت خودمختار کردستان اسم برد. مناسقاته بدلیل ضعف تاریخی بورژوازی و عدم شکل گیری حرکت‌های ملی در بلوچستان و عدم تاثیر گذاری مبارزات سایر ملل بر این ملت حرکت چندگان چشمتگیری برای رفع ستم ملی بچشم نمی‌خورد. جنبشهای ملی از سوی حکومت مرکزی و نیروهای رژیم پهلوی شدیداً مورد یورش قرار گرفت و دچار شکست مقطعی شده و به پیروزی نرسیدند. اما این حرکت‌ها بطئی آرام ادامه داشته و در برآیندهای انقلابی خود را نشان داده است. در بررسی قیام و بعد از آن تاکنون ما شاهد حرکت ملت کرد برای حق تعیین سرنوشت و رفع ستم ملی میباشیم. به پیروزی نرسیدن حرکت‌های ضد ستمگری ملی درس بزرگ و نتیجه شایانی به ما میدهد که همانا به پیوستگی حل مسئله ملی با سرنوشت کلی انقلاب در یک کشور است. جنبش حق تعیین سرنوشت چه از جانب خلق کرد و چه خلق بلوچ به پیروزی نخواهد رسید مگر اینکه سرنوشت کلی انقلاب دموکراتیک به رهبری پرولتاریا روشن گردد. با آغاز اصلاحات ارضی در دهه چهل و مسلط شدن شیوه تولید سرمایه داری در ایران که بر اساس نیاز سیستم سرمایه داری جهانی بر بستر تضاد آن با جامعه نیمه مستعمره - نیمه فئودال صورت گرفت وجه تولید سرمایه داری در ایران عمده گردید. مسلط شدن این وجه تولید با اقدامات رفورمیستی و ضد انقلابی از بالا صورت گرفته است که نه تنها به حل مسئله ملی و دمکراسی اسی در ایران پاسخ مشخص نداده و آنرا عملی نکرد بلکه متناسب با سرشت و ماهیت استثمار سرمایه داری و امپریالیستی به دیگتاتوری عنان کسبخته و سرکوب جنبشهای ملی و لغو دمکراسی و پایمال نمودن حقوق زحمتکشان کشور و ملیتها پرداخت، و از همین رو سرمایه داری در ایران در ارتباط لاینفک با نیازهای سرمایه داری جهانی و عدم رشد نیروهای مولد در ایران مسلط شده است مسئله ملی را نیز نمیتوانست حل نماید بلکه بکلی آنرا انکار نموده و اقدام به سرکوب حرکت‌های ملی نموده و به ستمگری ملی تاکنون ادامه داده است و جمهوری اسلامی نیز که بعد از حکومت پهلوی روی کار آمد نه تنها به خواست ملیتهای تحت ستم و حرکت‌های آنها توجهی ننمود بلکه از بد و روی آمدن خود سیاست سرکوب این جنبشها را در پیش گرفت و خود به عامل ستمگری ملی تبدیل شد. خلق کرد به شدیدترین

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



اخبار.....

بر کمیته های مخفی مقاومت بر علیه رژیم دامنش جمهوری اسلامی است .

کارخانه بافت بلوچ ایرانشهر:

در این کارخانه کارگران بصورت رسمی و غیر رسمی کار می کنند . مزد کارگران روز مزد روزانه ۶۳ تومان میباشد . که کارگران بعلت بائین بودن سطح مزد و تعلق نکردن امکانات رفاهی و مقررات خفقان و اربابیکه در کارخانه اعمال میشود و همچنین مزد کم که با وجود گرانی و غیبت های بسالا کفاف مخارج آنها را نمی کند ، یکی پس از دیگری کار را ترک کرده و به کارخانه مراجعه نمی نمایند . در روزهای پنجشنبه که بعد از ظهر تعطیل است از سوی پاسبانان ارتجاع و آخوندهای مستقر در ایرانشهر برای کارگران برنامه سخنانی تربیت داده شده است که این برنامه ها از سوی تمامی کارگران تحریم شده و کارگران در روزهای پنجشنبه به انجا مختلف از محل خارج شده و در جلسات شرکت نمی نمایند .

در اوایل آذرماه : در منطقه چاه بهار در یک درگیری بین بلوچهای مسلح و نیروهای سرکوبگر رژیم یک نفر از بلوچها به شهادت می رسد و چند نفر از افراد سرکوبگر رژیم به هلاکت میرسند ، که از تعداد آنها خبر دقیقی در دست نیست .

ایرانشهر-هنرستان صنعتی ( هنرستان قلمبر ) :

آذرماه : در اثر برودت سرما دانش آموزان طبق رسومات خلق بلوچ گوشها و سرخود را با تکه پارچه ای باسم "لنگ" می بیچانند . مسئولین حزب الهی مدرسه که با تمام رسم و سنن خلق بلوچ مخالف می باشند از دانش آموزان می خواهند که "لنگها" را از سر بردارند ، اما دانش آموزان در مقابل وی شدیداً مقاومت می نمایند ، دانش آموزان مسئله را با مولوی قمرالدین خائن مطرح می سازند اما این جاسوس و سرسپرده پاسخ میدهد بمن مربوط نیست ، مسئله به اداره آموزش و پرورش و رش کشانده میشود . رئیس سرسپرده اداره آموزش و پرورش سر صرف صبحگاهی هنرجویان حاضر میشود و از آنها میخواهد تا مسائلشان را مطرح کنند ، اما خارج از انتظار رئیس اداره یکی از دانش آموزان کبیود معلم ، بدی تدریس معلمان غیر متخصص و پاره ای مسائل صنفی را مطرح می نماید و در این موقع دانش آموزان خواستار برکناری یکی از معلمان سرسپرده که

به تدریس تسلط ندارند میشوند . رئیس اداره غافلگیر میشود و اظهار میدارد این چیزها را نباید در جمع مطرح سازید . من با همه شما حرف نمی زنم ، شما چند نفر را به دفتر بفرستید و بقیه دانش آموزان را شهیدید به دستگیری می نماید . دانش آموزان چند نفر را به دفتر می فرستند اما آقای رئیس اداره که قبلاً دبیر همین هنرستان بوده بدانش آموزان نمایند می گوید شما آدمهای درستی نیستید ، من شما را میشناسم و با تهدید و ارباب به حرفهای آنها گوش نمی دهم . دانش آموزان مبارزه و مقاومت صغی را بر کرده اند ، آنها سر صبحگاه وقت خواندن دعا آمین نمی گویند و اجرای مراسم را به مسخره می گیرند .

دانش آموزان باید بدانند که رژیم خمینی و سرسپردگانش بهیچ وجه خواستار حل مشکلات دانش آموزان نیستند آنها بجای حل مشکلات راه سرکوب و دستگیری و اعدام را در پیش گرفته اند ، شما بخاطر دارید که چندین تن از رفقای همکلاسی شما با اعدام شده اند و یا زندانی و یا فراری هستند . جسم آنها فقط این بوده که از منافع صغی شما دانش آموزان و حق خانواده های زحمتکش شما دفاع می نمودند ، مسئولان رژیم از این وحشت دارند که جمع دانش آموزان به منافع خود آگاه شوند برای همین هم از صحبت میان شما پرهیز دارند . شما باید بدانید تا این رژیم وجود دارد نه از تدریس مناسب و نه از معلم مناسب خبری هست و نه از احترام به فرهنگ و سنن شما . رژیم خمینی از ترس آگاه شدن شما کلیه معلمان آگاه را اخراج و عده ای از آنها را اعدام نمود .

پس راه حل برای بیرون رفت از اینهمه بدبختی و فشار که در همه جا ، در مدرسه ، خانواده ، بازار ، محل کار که از سوی رژیم اعمال میشود ، تنها سرنگونی این حکومت است شما که در پهنبرد امر انقلاب و وظیفه سنگینی بعهده دارید از هم اکنون در کمیته های مخفی مقاومت متشکل شوید ، به آگاه کری و سازماندهی خود بپردازید ، سعی کنید این کمیته ها در تمام مدارس بوجود آیند و با یکدیگر در ارتباط باشند . به رهنمودهای بامی استار و آثار سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران مراجعه نمایید . در این مورد راهنمائی های لازم را از آنها بیرون بیاورید و بکار بندید .

بقیه در صفحه ۱۱

**برنامه عمل**  
**سازمان چریکهای**  
**فدایی خلق ایران را بخوانید!**

زندانی سیاسی به قدرت نوده ها آزاد باید گردد

# سخنی با ...

بقیه از صفحه ۱

جمهوری اسلامی بشما می‌رسد. سطرها با خون نوشته می‌شود و با فداکاری بیش از توان انقلابی بدست شما میرسد، از اینرو لازم است تا سرحد امکان بعد از خواندن آنرا بدیکران برسائید، مطالب آنرا برای سایر توده‌ها بازگو کنید، خبر انتشار بامی‌استار را تا جایی که میتوانید بخش نمائید تا رژیم سفاکان بدانند ناتوان تر از آنست که بتوانند اراده پولادین عاشقان رهائی زحمتکشان را درهم بشکنند، تمام خون آشامان بدانند ما با کشتن و زندان تمام شدنی نیستیم، چرا که ما از نسل پیشمارانیم، تا توده‌های دربند کشورمان بدانند که حامیان واقعی آنها در سخت‌ترین شرایط در کنار آنها خواهند بود و در دفاع از منافع تاریخی آنها بدفاع سرسختانه خود ادامه خواهند داد.

بامی‌استار سعی می‌کند که نشریه توده‌ای باشد و با زبانی سخن بگوید که توده‌ها با آن تکلم می‌نمایند و احتیاجات خود را برآورد می‌سازند. نشریه‌ای باشد عامه فهم و مطالبی را که برای بالا بردن فهم و دانش سیاسی و سطح مبارزات آنان لازم است با زبانی ساده بدون شیله و بیلبه بیان نماید. متناسب با نیازهای مرحله‌ای جنبش و منطبق با فهم و ادراک توده‌ها مفولات اساسی را ساده در اختیار آنها بگذارد. در این رهگه بامی‌استار احتیاج به همکارانی بیش از پیش خوانندگان بالاخص پیوندگان راه سرخ فدا-ئیان خلق دارد و از آنان در انجام وظایف ذیل دعوت بعمل می‌آورد:

- ۱- رساندن هر چه زودتر اخبار درست مبارزاتی توده‌های زحمتکش به بامی‌استار.
  - ۲- رساندن هر چه سریعتر اخبار حرکت‌های سرکوبگرانه و اعمال ضد انقلابی رژیم به بامی‌استار.
  - ۳- بازگو کردن مطالب نشریات سازمان و هواداران بزبان ساده و گویا برای توده‌ها.
  - ۴- پیشنهادات و نظرات اصلاحی و انتقادات سازنده خود را برای نشریه بفرستد.
- باشد تا آولا محتوی نشریه غنی تر شده و مطالبی بدست توده‌ها برسد که برآورنده نیاز مبارزاتی آنان باشد، ثانیاً خود رفقاً پرورش یافته بر گنجینه تئوریک خود افزوده و قدرت بیان و فرصت فراگیری بیشتری حاصل نمایند.

# شور نوین و ...

بقیه از صفحه ۱

دیگر جوامع طبقاتی به طبقات دارا و فقیر، به ثروتمندان و بی چیزان و در نهایت به صاحبان سرمایه و متحدین سرمایه داران در ایران و کارگران و زحمتکشان تقسیم میشود. تاریخ مبارزات متشکل و سازمان یافته به تشکل یافتن پیشا هنک در بلوچستان بر میگردد. در این زمینه هواداران سا زمان چریک‌های فدائی خلق ایران در صحنه‌ی سیاسی تعیین کننده بوده، درست و سودا درن و آگاهی بخشیدن به مبارزات خلق بلوچ سهم بسزائی داشته‌اند. تشکل هواداران با حمایت اکثریت دانش آموزان و با انتشار نشریه‌ای با تیراژ بالا و با نفوذ در میان اقشار زحمتکش اجتماعی و روشنفکران بلوچ میرفت تا این عقب ماندگیهای ذهنی و سیاسی را جبران کند. بعد از خرداد ماه ۶۰ و عریان شدن ماهیت سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی و اشاعه یافتن موج اغدامها و دستگیریها و وارد شدن ضربات جدی به تشکل هواداران در پس کم تجربه‌ی از سوئی، تاثیر پذیری توده‌های بلوچ از این جو رعب و وحشت در بلوچستان از سوی دیگر افتی موقتی بر مبارزات توده‌ها و اعتراضات آنها وارد گردید، در این دوره تشکل هواداران به دلایل تشکیلاتی نتوانست حضور فعال خود را ادامه دهد. اما اینک تشکل هواداران سازمان با انتشار مجدد نشریه حضور خود را اعلام داشته است دوباره شاهد حرکات جدیدی در مبارزات پیشروان خلق بلوچ می‌باشیم. چندین فقره مبارزه مسلحانه و کمین گذاری برای مزدوران رژیم و حمله به جاسوسان محلی و حتی خبر از خلع سلاح پایگاه‌های رژیم به گوش می‌خورد.

این پیشروان تا کنون در میان خلق بوده‌اند و اما چرا در این مدت که بامی‌استار منتشر نشده است هیچ حرکتی از خود نشان نداده‌اند، خود حقانیت فدائیان را در پیش روی بودن و بالا بردن روحیات مبارزاتی توده‌ها نشان میدهد از این شور نوین میتوان نتایجی بس امیدبخش گرفت. میتوان نتیجه گرفت که این رسالت فدائی است که مبارزات زحمتکشان را در بند کشورمان راست و سوبدهد، در میان جریانات انقلابی نقش محوری را داشته باشد و انقلاب دمکراتیک را با سازمان دادن کارگران و زحمتکشان ایران سرانجام بخشد. از اینجا و از من مبارزه طبقاتی میتوان نتیجه گرفت که این سخنان گزافه گوئی نیست بلکه واقعیت‌های انکار ناپذیری هستند که عنصر تاریخی اجتماعی فدائی و در

بقیه در صفحه ۶

جاودان باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق

اخبار  
کردستان

# حمله قهرمانانه پیشمرگان فدائی به پایگاه قاتلاوا - منطقه بوکان

سنگرها خزیدند و توان مقابله از آنها سلب شده بود. مزدوران مستقر در پایگاه نیز پس از حملات پیشمرگان دیوانه وار و هاج و واج به اطراف شلیک کرده و با آتش سلاحهای سنگین مانند توپ و خمپاره و آرپی جی هفت سعی داشتند راه را بر پیشمرگان قهرمان سد کنند اما پیشمرگان دلیر فدائی پس از موفقیت کامل در عملیات ضربتی خود همگی سالم به پایگاههایشان بازگشتند. پس از این حمله موفقیت آمیز دشمن زبون طبق معمول همیشگی خود به قصد انتقام جوشی مدتی مدید روستاها و مناطق اطراف را زیر آتش توپ و خمپاره گرفت. اما از این حملات جنون آمیز و ضد مردمی خود جز خشم و نفرت باز هم بیشتر مردم منطقه نصیبی نیبند. و خوشبختانه به کسی آسیب نرسید. صبح روز بعد روستا ثیان منطقه با شادی و سرور از پیشمرگان قهرمان استقبال نموده و بصورت غیر قابل وصفی جشنودی خود را از این اقدام قهرمانانه آنان ابراز داشتند.

همزمان با سالگرد شهادت و نقر از پیشمرگان دلیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران رفقای فدائی انور اعظمی و جواد کاشی که سال گذشته در نبرد قهرمانانه علیه مزدوران رژیم خون آشام خمینی در منطقه بوکان به شهادت رسیده بودند، چند دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شبانگاه ششم شهریور ماه با یک برنامه از پیش طرح ریزی شده به پایگاه قاتلاوا در اطراف منطقه بوکان یورش آوردند و ضمن منهدم نمودن قسمتی از پایگاه با سلاح های نیمه سنگین و سبک نظیر آرپی جی هفت، نارنجک انداز و مسلسل دستی ارتشیان، جاشها و پاسداران مستقر در پایگاه را زیر آتش سهمگین خود گرفتند و عده زیادی از آنان را کشته و زخمی نمودند. از تعداد کشته شده ها و زخمی ها اطلاع دقیقی در دست نیست شدت حملات پیشمرگان قهرمان فدائی به حدی بود که حتی دسته ای از مزدوران ارتشی و جاش و پاسدار که برای محافظت از پایگاه در سه قسمت به کمین نشستند بودند فرصت عکس العمل پیدا نکردند و زیر آتش سنگین پیشمرگان و ضربات خرد کننده مسلسل فدائیان به گوشه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان  
۷ / ۶ / ۶۲ (بمنقل از رنگای گه ل شماره ۱۰)

# یورش و حشیانه رژیم به منطقه گه و رک مهاباد با مقاومت سرسختانه پیشمرگان قهرمان روبرو گردید

داد، نیروهای پیاده دشمن در حمایت، هلیکوپترهای آمریکائی شروع به پیشروی می نمایند در منطقه جنوب غربی نبرد رفقای سازمان ما از ساعت ۶/۵ صبح نبرد سختی را با مزدوران جمهوری اسلامی آغاز نمودند. دشمن ابتدا با تلفات سنگینی دست به عقب نشینی زد. اما چند ساعت بعد با یک حمله همه جانبه در حالیکه سنگرهای رفقای پیشمرک را مورد حمله آتش اسلحه های سنگین خود قرار داد. ده بود موفق به تصرف ارتفاعات زاووکوه و موسی گردید. در جبهه های دیگر نبرد پیشمرگان گروه له علی الخصر

روز ۱۴ شهریور ماه جاری، نیروهای سرگومگر جمهوری اسلامی بالغ بر ۵۰۰ نفر مرکب از ارتش، پاسدار، بسیج و جاشهای خود فروخته از ۵ جبهه، گاوان (واقع در جاده سردشت مهاباد) سوی ناس (واقع در چند کیلومتری جاده سردشت به مهاباد) میره ده (واقع در جاده سقز - بانه) ترحان و شهرکند واقع در جاده فرعی بوکان به سه منطقه که ورک، تهاجم وسیعی را علیه مناطق آزاد شده آغاز کردند، دشمن با ردالت و درنده خوئی تمام روستاهای مسیر را با اسلحه های سنگین (کاتیوشا خمپاره های ۱۲۰ و ۸۰ میلیتری توپ ۱۰۶) مورد وحشیانه ترین حملات قرار

## یورش ...

بقیه از صفحه ۱۱

در جاده تموزه به گدمان ضربات محکمی به نیروهای دشمن وارد می‌سازند ، و برابر گزارش رادیو کومه له تعداد تلفات دشمن بیش از ۳۵۰ کشته بوده است . روز بعد نیز رفقای پیشمرگ سازمان ما در ارتفاعات کدمن حمله قهرمانانه خود با حامیان سرمایه و دشمنان خلق را ادامه می‌دهند رفقا با طرح یک ضد حمله موفق به راندن مزدوران از ارتفاعات مذکور شده و تعدادی از آنها را کشته و زخمی نمودند رفقای پیشمرگ که زیر شدیدترین اسلحه های سنگین و حملات تپی در پی هلیکوپترهای دشمن قرار داشته هرگز پیشروی را از دشمن سلب نمی‌نمایند ، دشمن زمین که یارای مقابله با پیشمرگان را نداشت ، شروع به خمپاره باران و توپ باران روستاهای موسی و گدمان میکنند . چند ساعت بعد در حالیکه مغول وار به مردم بی دفاع شلیک می‌نمایند وارد روستاهای موسی و گدمان میشوند ، بقرار اطلاع به هنگام ورود به روستاهای خور خوره مازکه و موسی مردم را از خانه ها بیرون کشانده و ضمن هتاک و اذیت ایستادگانی زخمکش غارت میشوند و آنگاه دستگاههای تبلیغاتی ارتجاع حاکم از آنها بنام وسائل صادره شده اصطلاح ضد انقلاب اسم میرد .

در ادامه این حملات شب شنبه ۱۹ شهریور مناسه گذشته ، دشمن در روستاهای نه ستان و ... به کیمین پیشمرگان حزب دمکرات میافتد و با دادن تلفات بسیار سنگین و بجای گذاشتن بیش از ۷۰ جسد عقب نشینی مینماید در این عملیات پیشمرگان با وارد آوردن ضربه ای مهلک و بسه دست آوردن غنائم فراوان از جمله ۱۶۱ قبضه آرپی جی ، ۹۰ قبضه کلاشینکف ، تیر بارز ۳۰ ، دو قبضه خمپاره ۶۰ میلیتری ، ۵ گلوله آرپی جی ، پنج دستگاه بیسیم و مقدار زیادی وسایل نظامی تلاشهای رژیم را برای اشغال مناطق آزاد شده خنثی ساختند . تعداد ۲۶ تن از خود فروختگان به اسارت در آمده اند .

مناسفانه در این عملیات که از تاریخ ۱۳ شهریور شروع گردیده بود ۹ تن از پیشمرگان کومه له به شهادت رسیدند ما شهادت این فرزندان خلق را به رفقای همسنگر و خانواده هایشان تسلیت میگوئیم .

( بنقل از ریگای که ل شماره ۱۰ )

در توزیع آثار سازمان بکوشید

## حق ملل ...

بقیه از صفحه ۸

وجهی در دشمنانه بخون کشیده شد ، رژیم تمام امکانات خود را در این جهت بکار گرفت اما خلق کرد مصمم و قاطع برای حق خود به مبارزه ادامه داده است . پروسه تکاملی انقلاب و جنبش ملی در کردستان بخوبی نشان میدهد که حل قطعی و واقعی مسئله ملی فقط با سرنوشت گلی انقلاب کره خورده و پرولتاریا قادر است در جهت رفع قطعی آن کام بردارد . موضع ما نسبت به حل مسئله ملی بعنوان هواداران - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یعنی در مستحکم پرولتاریای ایران نمی‌تواند غیر از موضع این سازمان نسبت به حل مسئله ملی باشد همانطور که در قطعنامه های مصوبه کنکره این سازمان ذکر شده است . انقلاب ایران نظریه عقب افتادگی نیروهای تولد ، وجود اقشار وسیع خرده بورژوازی با خواستههای سیاسی و اجتماعی و ... تسلط امپریالیسم و نظریه ضعف عینی و ذهنی پرولتاریای ایران و نظر به اینکه در مجموع شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب - سوسیالیستی فراهم نیست از اینرو انقلاب ایران در کام اول نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلاب دمکراتیک توده ای است .

این انقلاب فقط و فقط به رهبری طبقه کارگر نه هیچ طبقه دیگری پیروزی قطعی اش میرسد و به مسئله ملی نیز در آن پاسخ قطعی و مشخص داده میشود . ملیتهای ایران برای اولین بار امکان اجازه تعیین سرنوشت خود را می‌یابند . همانطور که در برنامه عمل ذکر شده است در جمهوری دمکراتیک خلق تمام امتیازات بر اساس ملیت و فرهنگ و زبان و مذهب لغو شده و ملیتها در مقابل یکدیگر از حقوقی مساوی برخوردار خواهند بود . خلق بلج حق دارد به معنای وسیع کلمه بر امورات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی ، اداری - خوشحاکم کرد و آزادانه راه اتحاد با سایر خلقهای ایران را در چهارچوب جمهوری دمکراتیک خلق برای تشکیل یک دولت قدرتمند پرولتاریائی اتخاذ کند ما بصراحت اعلام میداریم که نفع زحمتکشان بلوچ در اتحاد آزادانه با سایر ملیتهای ایران تحت رهبری پرولتاریای ایران و تشکیل جمهوری دمکراتیک توده ای ایران است . در جمهوری دمکراتیک خلق هر ملیتی حق دارد با زبان خود امورات اقتصادی - اجتماعی خود را حل و فصل نماید ، فرهنگ خود را رشد دهد ، لباس خود را بیوشد و در مدارس به زبان خود تدریس نماید . این موضع ما با مواضعی که خود مختاری سر و

بقیه در صفحه ۱۶

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

# اعتیاد.....

بقیه از صفحه ۱

نظام طبقاتی است .

برای آنکه نقش دولت و طبقات حاکم را در اشاعه اعتیاد نشان دهیم مقداری به عقب برمیگردیم: سابقا مواد مخدر از طریق خوانین و افراد مرفه و عیاش منطقه به زحمتکشان منتقل میشد و در رژیم پهلوی توسط عمال رژیم در منطقه یعنی شرکای فروش مواد مخدر ، هودا و اشرف پهلوی و ساواکیها و خوانین ( نظیر حاج بلوچ خان و . . . ) و در رژیم فعلی این رسالت را جمهوری اسلامی و عواملش در منطقه به عهده گرفته اند .

در دوره پهلوی مواد افیونی همچون سابق بین جوانان بلعج رواج چندانی نداشته است و این موهبت ! به خوانین و بالا منصبان دولتی و رؤسای ادارات و عناصری از خرده بورژواهای مرفه محدود بوده است . در یک دوره کوتاه که خلق به قدرت خود آزادیهای سیاسی نیم بندی بدست آورده بود و جو نیمه دمکراتیکی بر جامعه حاکم بود افشار مختلف اجتماعی بخصوص فشر جوانان به مسائل سیاسی روی آورده بودند . اعتیاد و مواد افیونی نیز کاملا به بوته فراموشی سپرده شده بود ، جوانان غرق شور مسائل سیاسی و روی آوری به ایده های مرفعی و مبارزات ، دیگر فرصتی برای پرداختن به مواد افیونی را نداشته و بر همین زمینه بازار فروش مواد مخدر رونقی نداشت . ورود مواد افیونی از خارج به بلوچستان به منتهی الیه افت خود رسیده بود ، معدود معتادان نیز اعتیاد را ترک نموده به مسائل اجتماعی گرایش نشان میدادند ، اگر دانش آموزان با دامن زدن مبارزه و مشکل شدن در انجمنهای دانش آموزی و ترتیب دادن ورزشها و تفریحات سالم از آلودگی میرا بودند ، معلمان نیز از برکت جو نیمه دمکراتیک و تحت جو سیاسی به مسائل اجتماعی - سیاسی روی آورده در جهت پیوند با زحمتکشان برمیآمدند ، سه تربیت انقلابی نوابگان می پرداختند . سایر افشار زحمتکشان نیز بنوعی خود را با مسائل سیاسی درگیر می کردند .

جمهوری اسلامی از بد و روی کار آمدن خود راه سرکوبی ب آزادیهای سیاسی را در پیش گرفت ، شوراها و تشکلهای دانش آموزی را سرکوب نمود ، کتابرا از دست پژوهندگان مسائل اجتماعی بیرون آورد ، به کتاب سوزی پرداخت ، جهالت را رشد و توسعه داد ، از آگاهگری نیروهای انقلاب بی جلوگیری بعمل آورد و بعد از سی خرداد ماه ۱۳۶۰

ابعاد دیکتاتوری عریان رژیم به حدی وسعت گرفت که جوانان فقط به خاطر داشتن یک اعلامیه ، یک چاقو و یک ناخنکیر دستگیر ، زندانی و اعدام میگرددند . تمامی آزادیهای سیاسی محدود شد ، دانش آموزان انقلابی دستگیر و اعدام و زندانی شدند . دانشگاهها از همان اولین روزها تعطیل گشت ، چرا که دانشگاه یعنی سنگر بر قدرت آزادی و اشاعه اندیشه های مرفعی و آگاهگرانه در تضاد با منافع حکمرانان قرار داشت . بالاخره آن دزهائی که میتوانست جلوفساد اجتماعی را بگیرند ، غیر قانونی اعلام گردیدند و به شدیدترین وجه سرکوب شدند در کنار همه این سرکوبها و وحشیگریها اعتیاد جایگزین مسائل اجتماعی و سرگرمیهای سالم گردید .

اعتیاد یکی از مسائل ریشه ای و روانی اجتماع می باشد و ریشه کن کردن آن با برقراری دمکراسی و نابودی سرمایه داری رابطه مستقیم دارد . در نظام کالائی سرمایه داری که همه چیز حتی انسان بصورت کالا درآمده و سود معیار همه چیز است ، فروش مواد مخدر بالا میرود و اعتیاد دامنگیر بخش عظیمی از جامعه میشود . سرمایه داران که در پناه فروش مواد افیونی بر بستر مناسبات سرمایه داری میلیونها تومان بهره میبرند به هیچ وجه حاضر نیستند این مسئله حل شود ، از سوی دیگر سرمایه داران تا جایی با معتاد شدن کارگران مخالفند که نیروی آنها را برای بهره دادن به صاحبکار از بین ببرد و هر زمان صحبت از شرکت زحمتکشان در دمکراسی و حکومت شود آنها ترجیح میدهند که زحمتکشان تخدیر شوند و برای تخدیر چه بهتر از مواد مخدر ؟؟

جارو و جنجالهای میان تهی و پوک رژیم جمهوری اسلامی در مورد اعدام معتادین و نابودی اعتیاد آنجا واقعیت خود را نشان میدهد که برای گرفتن اعتراف و به حرف در آوردن زندانیان سیاسی آنها را با تزریق مرفین معتاد می کنند و یا به معتادین زندانی مرفیون هرئین را می فروشند و یا سران رژیم چون صادق طباطبائی نماینده تام الاختیار امام ! در خارج و مسئول خرید اسلحه از اسرائیل محمد هاشمی رفسنجانی وزیر صدا و سیما و وزیر ارشاد اسلامی و . . . در فروش مواد مخدر و اشاعه اعتیاد دست فرستندگان بین المللی مواد افیونی در رژیم گذشته چون اشرف پهلوی و هودا را از پشت می بندند .

در حالیکه وزرای بالای رژیم به خرید و فروش بین المللی مواد مخدر مشغولند ، بیکارانی که از شدت فقر و تنگدستی مجبور به فروش چندگرم هرئین میشوند به زندان یا اعدام محکوم میگرددند و کارمندان جز به جرم معتاد بودن از کار بقیه در صفحه ۱۴

## سویین بیت ایران هلاکافی ضد امپریالیستی - دمکراتیکین جیره یان

# اعتیاد.....

بقیه از صفحه ۱۳

برکنار میگردند، مگر اینکه جاسوس باشند .  
اعتیاد ابعاد وحشتناکی را بخود گرفته است. معتادان اینک به جای تریاک وحشیش که هنگام استعمال بسو تولید میکند به کرد ضد حیات یعنی هروئین که بسو نمیدهد روی آورده اند . زحمتکشان از سرنوشت فرزندانشان خود بشدت نگران هستند . حیران ونالان وناتوان از رفیع این بلا واقع بینانه جمهوری اسلامی را عامل اصلی میدانند علت شیوع اعتیاد و ابعاد وحشتناک گسترده آن نمیتواند جدا از اقدامات رژیم برای سرکوب آزادیهای سیاسی و عقب راندن زحمتکشان از روی آوردن به مسائل سیاسی اجتماعی باشد .

ما حل این بیماری مزمن اجتماعی را فقط در ناسیونالیستی حکومت سرمایه داران و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و تاد مین موارد زیر میدانیم:

- آزادیهای سیاسی به بهترین وجهی تامین گردد .
- حق کار برای تمام ساکنان و اهالی کشور تضمین شود .
- فرهنگ مردم رشد داده شود . تفریحات سالم ورزشگاه باشگاههای هنری ، فرهنگی اشاعه یابد .
- برای اهالی امکانات شرکت نمودن در سرنوشت گلسی مملکت و جمهوری دمکراتیک فراهم آید .
- توده های بلوچ خود بر سرنوشت خود حاکم شده اسلحه در دست داشته باشند .
- دولت کارگران و زحمتکشان آموزشهای وسیعی را بر علیه مضرات مواد مخدر شروع کند .
- دولت کارگران و زحمتکشان مبارزه بی امان و قاطعی را بر علیه فروشندگان مواد مخدر شروع نموده و از طرف دیگر بهترین امکانات رهایی را از چنگال مواد افیونی برای معتادین گنونی فراهم آورد .

آیا جمهوری اسلامی هیچیک از موارد بالا را محترم دانسته است و به آنها عمل نموده است ؟  
جمهوری اسلامی نه تنها چنین نکرده ، بلکه هر چیزی را که رنگ و بوی سیاسی و آزادی داشته است آنرا به شدت بدترین وجهی سرکوب نموده است از اینجا است که افراد سست عنصر و سرخورده برای رهایی از مظالم حکومت بسو فراموش کردن خود به مواد مخدر روی آورده اند و عده زیادی ناآگاهانه گرفتار این بلا شده اند . طبق شواهد بزرگ و زنده حکومت از هروئین فروشان بویزه در صورت جهل سوسی بر علیه نیروهای انقلابی حمایت وسیعی می کند و حتی مقامات جمهوری اسلامی نیز معتادند و اقدام به خرید

و فروش مواد افیونی می کنند که به مواردی در بالا اشاره رفت و مواردی از منطقه از این قرارند : بساط تریاک رئیس اداره آموزش و پرورش سراوان واعظی ، رئیس شهرستانی و رئیس دارائی که بر اثر اختلاف یکی از آنها با بخشدار حومه که اونیز معتاد بوده ، لو رفته و واعظی دستگیر میشود و شبانه بسو زاهدان منتقل میگردد و همان شب با وساطت مدیر کل اداره آموزش و پرورش آزاد شده و در اداره کل ارتقا مقام می یابد . در میرجاوه دو نفر عامل هروئین دستگیر میشوند بعد از بررسی های مقدماتی معلوم شده آنان از افراد سپاه پاسداران هستند . گرم خان نظری یکی از جاسوسان معترف رژیم به اشاعه مواد افیونی مشغول است . در ایرانشهر عظیم و مزاربه همراهی ۶ جاسوس محلی از تریاک فروشان و معتادان بنام محلی اینک پاسدار هستند و اسلحه رژیم را در دست دارند . اسحق هروئین فروش معروف و از جاسوسان خمینی به کار خرید و فروش مشغول است . محمد حسن یکی از میلیونرها و تریاک فروش معروف که اینک در بی بسو جرم تریاک فروشی دستگیر شده و به زندان محکوم گردیده است با رژیم همکاری نزدیک داشته و برای وی جاسوسی میکرده است و چندین نفر دیگر که به کار خرید و فروش و استعمال مواد افیونی مشغولند و از جانب دیگر از جاسوسان فعال رژیمند . این است اقدامات رژیم در مبارزه علیه مواد مخدر .

ما اعلام میداریم که اقدامات رژیم همچون دیگر رژیمهای سرمایه داری به هیچوجه موجب پیشه کن کردن مواد افیونی نخواهد شد بلکه به توسعه آن خواهد افزود . ریشه کن شدن مواد افیونی فقط در نابودی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک و اعمال اقدامات انقلابی قابل حصول است .

کمکهای مالی دریافت شده

تهجد امین نورانی	۱۳۰۸۰۰	ریال
تهجد گل محمد	۳۰۰۰۰	ریال
خسروالف	۴۳۶۰۰	ریال
خسروخ	۸۶۱۶۰	ریال
رفیق اسکندر	۱۳۰۹۵۰	ریال
رفیق محسن م	۱۹۶۲۰۰	ریال
رفیق مرضیه	۲۴۰۰۰۰	ریال
رفیق ابراهیمی	۴۱۶۴۰	ریال
بدون کد	۳۶۶۶۰۰	ریال

وهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

خود کفائی!

رژیم جمهوری اسلامی، اگر در اجرای وظیفه بازسازی نظام ضربه خورده سرمایه داری، زمانی در جوارده امپریالیستی را لیبرنی و ضد امریکائی جامعه، رابطه با امپریالیستها را را انکار میگرد و امریکا را به نیرنگ دشمن اصلی اش میسمر، و اگر زمانی بعد، واقفیت جنگ و لاجرم تامین سلاح و قطعاً تیدکی مورد نیاز مجبورش کرد معامله با دلالهای بیین-الطلی را منبع تامین تجهیزات مورد مصرف جنگ قلمداد کند، امروز در مواجهه با شدت یابی بیشتر بحران اقتصادی و ورشکستگی بی حد مالی از یک سو و از سوی دیگر در برابر تحمق و کمترین مبارزه طبقاتی، نه تنها نخست وزیرش از فروش نفت به امریکا برده بر میدارد و صراحتاً اعلام میکند: "ما علاوه بر این اسلحه ( منظور اسلحه هاشی که بسول آن از طرف ایران پرداخت شده ) طلبهای زیادی از امریکا داریم. قبلاً پولهای زیادی بابت خرید کالا پرداخت شده، حتی بعد از انقلاب مقدار زیادی ما نفت فروخته ایم که نسبتاً پولش پرداخت نشده" ( کیهان - ۲۹ / ۴ / ۶۲ ) بلکه وابستگی به امپریالیستها را چنان شدت بخشیده که تنها در عرض ۵ روز در خرداد ماه اقدام به ورود ۱۵ مورد ( که مسلم بخشی از تمامی کالاهای وارداتی در این مدت است ) کالاهای مختلف بقیمت های ریز و درشت از کشورهای امپریالیستی و از جمله امریکا و کشورهای تحت سلطه امپریالیستها کرده است.

( بنقل از کار ۱۷۱ )

کالاهای وارد شده	مبلغ به ریال	وزارتخانه یا مؤسسه گیرنده کالا	کشور فروشنده کالا
تعمات بدکی هواپیما ( ۳۰۹۱ قطعه )	۲۸۵۲۲۷۷	شرکت صنایع هواپیمائی ایران	امریکا
ران پوروله ( ۶۰ دستگاه )	۱۶۱۹۶۸۳۲۴	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	ژاپن
لوازم اندازه گیری کورج - اف ( ۱۰۸ عدد )	۲۰۰۵۰۰۶۶	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران	ژاپن
لوازم بدکی و پیچهای ستابراستی	۴۰۸۳۲۴۴۱	شرکت توانیر	ایتالیا
والسو ( ۸ عدد )	۱۳۸۰۹۴۳	شرکت توانیر	آلمان غربی
یک سری تیغ اره و ۷۸۹ عدد سوزن قالب سازی دستبندی شده	۱۴۹۸۵۰۰	شرکت دوران وابسته به بانک ملی	سوئد
۳۰۰ عدد فریزه وزن گهلو (خالص بسته بندی درجه یک)	۱۵۱۸۰۰	شرکت دوران وابسته به بانک ملی	آلمان غربی
برد الکتریکی ( ۵ عدد )	۲۶۱۲۷۱	شرکت دوران وابسته به بانک سپه	اتنکستان
کولر کامپون ( ۵۰۰ عدد )	۳۴۱۵۵۰۰۰۰	وزارت راه و ترابری	آلمان غربی
۱۹ عدد تعمات بدکی دستگاه سرد کننده	۸۷۱۷۹۹	شرکت صنایع هواپیمائی ایران	بریتانیا
تعمات بدکی هلیکوپتر ( ۱۰ قطعه )	۲۵۲۷۱۷	شرکت صنایع هواپیمائی ایران	هنگ کنگ
یکسری لوازم بدکی ران پوروله	۸۸۷۳۸۲	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	ژاپن
تعمات بدکی هواپیما ( ۱۱۵۹۰ قطعه )	۱۰۹۰۹۰۲۴	شرکت صنایع هواپیمائی ایران	آلمان غربی
یک عدد بوس مکانیکی دستی	۱۱۲۱۴۸	شرکت صنایع هواپیمائی ایران	بریتانیا
یک عدد بوس مکانیکی دستی	۱۳۷۵۲۰۰۰۰	شرکت ملی نفت ایران	استرالیا

# مروری بر اثار

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



کمیته فدائی برای بسیج جوانان  
بسیار دلی امپریالیسم ایران  
و پانگانه داخلی

سال پنجم - شماره ۱۷۲ - ۸ شهریور ۱۳۴۲ - شماره ۲۰

## گسست در کابینه

ارزیابی جنبش کارگری و وظایف ما

کمیته فدائی برای بسیج جوانان  
بسیار دلی امپریالیسم ایران  
و پانگانه داخلی

گسست در کابینه

گسست در کابینه

گسست در کابینه

جدای شماره

جنبش کارگری

تاریخ: ۱۳۳۳

محل: تهران

کمیته فدائی مغتصبی استعجاب

بجزان پاکستان

کمیته فدائی برای بسیج جوانان

بسیار دلی امپریالیسم ایران

و پانگانه داخلی

با ارسال کمکهای مالی خود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در پیشبرد امر انقلاب یاری رسانید

ضمیمه خبری کار منشور شد

# حق ملل ...

بقیه از صفحه ۱۲

دم بریده و کاهی فرهنگی را برای خلقهای ایران در نظر میگیرد بگن متفاوت است . موضع ما از روی منافع لطیفه کارگر ایران و پاسخ مشخص دادن به زحمتکشان ملیتهای ایران سرچشمه گرفته و تشکیل یک دولت قدرتمند پرولتری که از اتحاد آزادانه خلقهای ایران نشأت گرفته منتج میشود . ما بصراحت اعلام میداریم که شرایط سیاسی و ذهنی اقتصاد ی ملت بلوچ اینک چنین اجازه ای را نخواهد داد که راه جدا شدن از سایر ملیتهای ایران را در پیش گیرد بلکه زمینه مناسبی برای بهره برداری نیروهای ضد انقلاب مغلوب را فراهم خواهد آورد . همان نیروهایی که هیچ اعتقادی به رفع ستم ملی نداشته و خواهان ادامه آنند .

# خرید اسلحه

## ایران از اسرائیل اسلحه میخرد

ماهنامه جهان ارگان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور اسنادی را انتشار داده است که نشان میدهد جمهوری اسلامی ایران چگونه از اسرائیل اسلحه میخرد و این زمانست که رژیم در پس پرده با شمارهای مرک بر امپریالیسم، مرک بر صهیونیسم به سرکوب جنبش انقلابی پرداخته و نیروهای مملکت را به امپریالیسم هدیه می کند و همچنین انتشار این اسناد نقاب از چهره پر فریب رهبران جمهوری اسلامی که آشکارا دروغ می گویند و هر نوع همکاری خود را با اسرائیل پنهان میدارند، کشور .

## ایران

## اسنادی دیگر از خرید اسلحه از اسرائیل

هرچیز بیجان است شروع میکند، دلیل مسده این سری پیروزیهای سری ۲۱ ایران را باید در خاکبگ استفاده وسیع از نیروهای اسانی دانست که خود را به نواحی مرزی رساندند و این بدون کمک قدرت تحریر موشکیای "کاسپ" و خیارهای "کوبرهه" یا "جراب" نیز در پیروزیهای سنگین تر نقش مهمی ایفا کرده است .

این انتشار نامه میبایست حداکثر ۱۵ روز بعد از اتمام قرارداد ۱۷ ماهه سفود و میبایست در شوشه دفتر در IDO Bank در لندن قابل دریافت باشد، هر اسنادی قرارداد مشترک بین جمهوری اسلامی و اسرائیل حتی پیش از این نامه است که "مردود" هر دو اختلاف طرفین میبایست منسوخ و از طریق مذاکره و مشورت مستقیم حل کنند" و به این منظور هر یک از طرفین باید صورتی را در اختیار دیگری قرار داده است . وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران، تیسگران 212 703 شماره تلفن شرکت IDE هنوز هم کار میکند .

در روز ۱۹ اوت سال ۶۱ ژاکوب سمروزی برای توضیح سلفه ای در رابطه با موشکیای M52/52 با کنتل مکانی گفتگوست، در واقع نامه این سلفه را در نظرمانند که مورد معاینه مهاب سوزنه از موشکیای که جزو املی درین و کشفه همین سلاح های جنگی میباشد و هر کدام بین ۱۵۰۰ کیلوگرم دارند کار با ماهی میست . ژاکوب سمروزی در نامه ای به تاریخ ۱۱ اکتبر به کنتل مکانی توضیح میدهد که مقررات IDO (ایران دربرین حمل و نقل فرای) نه تنها اجازه میدهد که موشکیای LANCE را حمل کنیم در بنادر "آورد" و "برگردان" موشکی ایران که فوراً مورد موشکی را به اسرائیل میسرود، انتقال دهند . قابل ذکر است که پیش از این معاملات تسلیحاتی در سطح جهان از طریق این دو کشور و با سیم "ریپورگ" صورت میگرفت . کنتل اسرائیلی در نامه ترسیماتش میگوید : "بنا به "لاسل" کتا و راتن و روغن" سیمواسیم موشکیای را از طریق بندر "ریپورگ" انتقال دهیم هر که در این صورت کتا لا مورد ما زورین قرار میخورد گرفت" ولی کنتل اسرائیلی خسرت معافله جمهوری اسلامی خود را خاطر مسخ میکند که "در هر حال بنظر میرسد که مسئله حل شده باقی نمانده باشد فقط با سیم ملذاری "مخارج آسانی" نیز منحل شد و از ایران صورت میگردد سیم مخارج آسانی خود را میسرود . کنتل اسرائیلی راه حل نامه ای یافته است و آن اینست که برای موشکیای این دست عنوان "ممولات قوی" اجازه حمل و گذر گرفته خود ولی انتقال تک امکان است خواهد داشت : "فرمان ما در "برگردان" "آورد" برای نخستین موفقت عملیات تک تیر کذا شده بدون اینست که همه چیز را حمل موشکیا هواری ما ورود کنیم به بندر سیمواسیم و بلافاصله به ما حمل کنند اسرائیلی منتقل نمود " در ۲۲ مارچ ۱۹۶۲ ایران بنام "سج" خود را که میبایست به آزاد ستم

به کوشش مرت الخلیج طی معامه ای با مبرصین سعودی نخست وزیر سعودی اسلامی از او شوال نمود : "منور مدهای ایمنیا میکند که شما از اسرائیل اسلحه دریافت میکنید . آیا دلتی بر مردم این امداداریه است . این اسلحه ها را من مستخدم که باید از ما داخل بکارند خود، زیرا ما چیزی را نمیفروشیم . این اسلحه ها با دلیل آنها ثابت کنیم، بلکه این دشمن ما هستند که ما را میفروشند و باید دلتی برای انسانهای خود ارائه دهند . از زمانیکه من وزیر امور خارجه بودم آنان این اسلحه ها را به ما داده اند . آیا دلتی تاکنون دلتی از آنکه ما داده ایم . این مورد قابل بر روی موشکیای آسان نیست" در مورد خرید اسلحه سعودی اسرائیلی از اسرائیل علاوه بر آنچه ما تا بحال در شماره های پیشین شرحه میان همرا سیماسیم گاهی میفروشیم، اروپا به اسرائیلیون ما بر آنست که تاریخ به ششم ۱۲ جون ۶۲ اسنادی را منتشر نمود که این واقعتاً به اسناد میرسد . اسرائیلیون در این مورد میگویند : "از روز دیگر مقرر است که اسلحه ها به ایران، خرید تسلیحاتی اسرائیلی برای همه اشکار شده قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

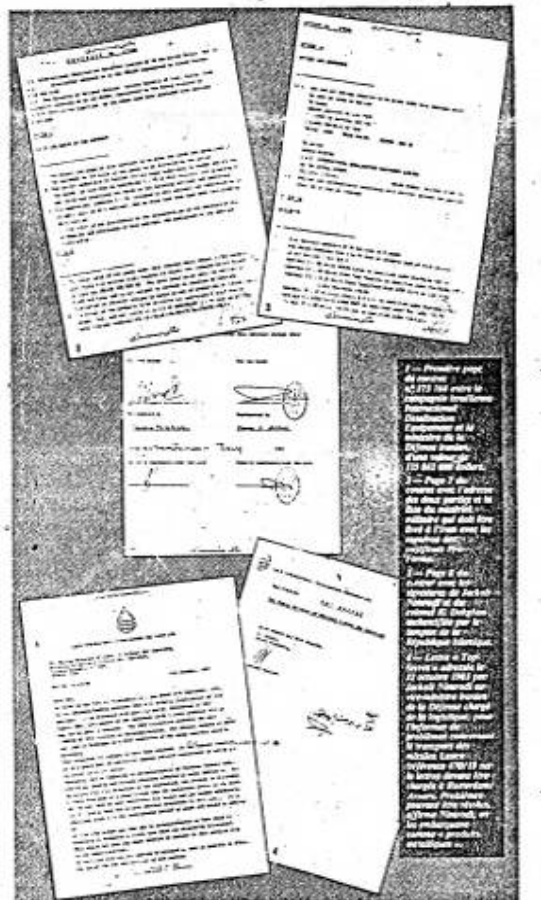
کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

کنتل اسرائیلی در این قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .



به کوشش مرت الخلیج طی معامه ای با مبرصین سعودی نخست وزیر سعودی اسلامی از او شوال نمود : "منور مدهای ایمنیا میکند که شما از اسرائیل اسلحه دریافت میکنید . آیا دلتی بر مردم این امداداریه است . این اسلحه ها را من مستخدم که باید از ما داخل بکارند خود، زیرا ما چیزی را نمیفروشیم . این اسلحه ها با دلیل آنها ثابت کنیم، بلکه این دشمن ما هستند که ما را میفروشند و باید دلتی برای انسانهای خود ارائه دهند . از زمانیکه من وزیر امور خارجه بودم آنان این اسلحه ها را به ما داده اند . آیا دلتی تاکنون دلتی از آنکه ما داده ایم . این مورد قابل بر روی موشکیای آسان نیست" در مورد خرید اسلحه سعودی اسرائیلی از اسرائیل علاوه بر آنچه ما تا بحال در شماره های پیشین شرحه میان همرا سیماسیم گاهی میفروشیم، اروپا به اسرائیلیون ما بر آنست که تاریخ به ششم ۱۲ جون ۶۲ اسنادی را منتشر نمود که این واقعتاً به اسناد میرسد . اسرائیلیون در این مورد میگویند : "از روز دیگر مقرر است که اسلحه ها به ایران، خرید تسلیحاتی اسرائیلی برای همه اشکار شده قراردادها که ما برای اولین بار منتشر میکنیم ثابت میکنند که سیم واسیم رابطه تجارتی خاصی مینمایند و مسود دادند است . روز ۲۲ جولای ۱۹۶۱ کنتل اسرائیلی ژاکوب سمروزی و کنتل مکانی معاون وزیر دفاع ایران قراردادی مشخص میکنند که طبق آن اسرائیل تسلیحه میدهد که بهترین خیارها ما و موشکیای موجود در بازار میانی اسلحه را که شما میبایست آمریکا را طرح بر روی موشک برای ارتش ایران تهیه کند، طبق این قرارداد که شماره ۱۹۶۱۶۲ است .

# مرگ بر خمینی جلاد